

# این خون سیدالشهداء (ع) است که خونه

\* در این مجلس که آقایان خطباء محترم از قم و تهران تشریف دارند و بعضی قشرهای دیگر تشریف دارند، لازم است که من بعضی مسائلی که امروز برای ما مهم است و فرداها هم مهم است عرض کنم. مسئله انقلابات در دنیا و انقلابهایی که در ایران شده اصل انقلاب حالا در خود ایران را عرض میکنم. اصل انقلاب بسیاری از وقتها به نتیجه ابتدائی رسیده است لکن در ادامه اش اشکال پیدا شده است. میگویند کشورگیری آسان است لکن کشور داری مشکل است. انقلاب شد و همه قشرهای ملت هم حاضر صحنه بودند و روحانیون و خطبای محترم سرتاسر کشور هم حاضر بودند و با کمک همه قشرها از زن و مرد و روحانی و غیر روحانی و خطبای محترم به پیروزی رسید، یعنی پیروزیهای چشمگیر، لکن پیروزیهای اولی بیرون راندن چپاولگران و سقوط شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی، لکن حفظ این نتیجه که عبارت است از جمهوری اسلامی مهم است و امروز برای ما این مطرح است امروز دیگر ما نباید به این نگاه کنیم که پیروز شدیم و جمهوری اسلامی را برقرار کردیم و دیگر در فکر نباشیم و هر کدام به کارهای خودمان مشغول باشیم. اگر اسلام عزیز فقط با

\* این مذهب با ذکر مصائب اهل بیت علیه السلام زنده مانده است، با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه سرایی و روضه خوانی.

پیروزی بر کفار و جانشین شدن جمهوری اسلامی آنها تمام مقاصدشان حاصل میشد ما هم دیگر راحت بودیم و هر کدام به سراغ زندگانی شخصی خود میرفتیم لکن باید همه ما بدانیم که مسئله این نیست.

\* امروز این چیزی که وظیفه همه ملت ما هست و این وظیفه بر دوش روحانیون بیشتر است و بر دوش خطبای اسلام، گویندگان هم بیشتر است این است که کوشش کنند که این جنبش باقی بماند و جلو برود توده های مردم اینطور که ملاحظه میکنید حاضرند برای پذیرای حرفهائی

جهاد



# سای همه ملت‌های اسلامی را بجوش می‌آورد

که گفته میشود از روحانیون و از خطباء و لهذا حجت بر روحانیون و بر خطباء و برگزیدگان، برائمه جماعت و همه قشرهای روحانی از طرف خدا تمام است.

\* در جنبش مشروطیت همین علماء در رأس بودند. اصل مشروطیت اساسش از نجف بدست علماء و در ایران بدست علماء شروع شد و پیش رفت و آنقدر که آنها میخواستند که

اشکالاتی را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطباء در مناظر خودشان مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند. این انقلاب صدمه خواهد دید. اسلام بدست روحانیون تا حالا زنده مانده هیچ قشری در این مسئله دخالت نداشته است جز خود روحانیون و خطبائی که در دنباله آنها بوده اند. از صدر اسلام تا حالا اسلام بدست اینها به

ناکند کنیم که بیشتر دنبالش باشند (نکبیر حظار) محرم و صفر است که اسلام را زنده نگهداشته است فداکاری سیدالشهدا سلام الله علیه که اسلام را برای ما زنده نگهداشته است زنده نگهداشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون از طرف خطباء، با همان وضع سابق و از طرف نوده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری بعنوان عزاداری راه می افتاد باید بدانید که اگر بخواهید حضرت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده است، آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باقی بماند و گویندگان پس از آنکه مسائل روز را گفتند روضه را همانطوریکه سابق می خوانند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری این خون سیدالشهدا است که خونهای همه ملت‌های اسلامی را بجوش می آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می کند در این امر سنتی نباید کرد.

\* شما بچه ها و جوانها چرا خون خودتانرا

امروز چیزی که وظیفه روحانیون است و این وظیفه روحانیون بیشتر است و بر روش خطبای اسلام در خطبای هم بیشتر است این است که کوشش کنید که این خطبای اسلام را بجوشانید

اینجا رسیده است. قشرهای دیگر روشنفکر و امثال اینها از اسلام خیلی اطلاع ندارند. اگر هم داشته باشند کاری نداشتند به این کارها. در زمان رضاشاه و محمد رضا خصوصاً زمان رضاشاه آنهایی که یادشان است میدانند چه خبر بود. همین حوزه های علمیه با تمام ورشکستگی که پیدا کرده بودند و تو سری که از همه اطراف میخوردند مقاومت کردند و حفظ کردند و همین خطبا باز اشخاصی بودند که گاهی صحبت میکردند و مسائل را یا به صراحت یا به کنایه به مردم میگفتند.

مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد لکن بعد از آنکه شد دنباله اش گرفته نشد مردم بی طرف بودند روحانیون هم رفتند هرکس سراغ کار خودش. از آنطرف عمال قدرتهای خارجی بخصوص در آنوقت انگلستان در کار بودند که اینها را از صحنه خارج کنند یا به ترور و یا به تبلیغات، گویندگان و نویسندگان آنها کوشش کردند به اینکه روحانیون را از دخالت در سیاست خارج کنند و سیاست را به دست آنهایی که به قول آنها میتوانند بدهند یعنی فرنگ رفته ها و غرب زده ها و شرق زده ها و کردند آنچه را کردند.

یعنی اسم مشروطه بود و واقعیت استبداد، آن استبداد تاریک ظلمانی شاید بدتر از زمان و حتما بدتر از زمانهای سابق اخیراً

اگر روحانیون، ملت، خطباء، علماء نویسندگان و روشنفکران متعهد سنتی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند به سر این انقلاب آن خواهد آمد که به سر انقلاب مشروطه آمد.

\* اگر حفظ اسلام یک فریضه الهی است بالاتر از تمام فرائض یعنی هیچ فریضه ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست اگر حفظ اسلام جزء فریضه های بزرگ است و بزرگترین فریضه است بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرائض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و همین گاهی یا یک؟ فرض کنید که

جهاد

نویسندگان و روشنفکران متعهد سنتی... بر سر انقلاب مشروطه آمد.

بهر می دهید؟ شما برگردید به اسلام، رها کنید این اشخاصی که شما را اغوا می کنند و بیایید توبه کنید قبل از اینکه در صحنه گرفتار بشوید که آنوقت مشکل است. آقایان در مجالس اینها را دعوت کنند ما میل نداریم که جوانهایی که باید برای کشور خودشان خدمت کنند در خدمت امریکا باشند بوسیله این اشخاص که به اسم اسلام می خواهند اسلام را از بین ببرند. بالاخره باید تنها ها که دعوت کردید تا کنون مردم را به اسلام، اسلامیت و به فضائل اخلاقی امروز هم هست بگسارید که بیشتر دعوت کنید. هم مسائل ۶۰ بقیه در صفحه ۶۰

\* ماه محرم و صفر ماه برکات اسلامی است و ماه زنده ماندن اسلام است باید ما محرم و صفر را زنده نگهداریم به ذکر مصائب اهل بیت علیه السلام، که با ذکر مصائب اهل بیت علیه السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا، با همان وضع سنتی وضع مرتبه سرائی و روضه خوانی، شیاطین به گوش شما نگویند که ما انقلاب کردیم و حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوئیم و مسائل که در سابق بود حالا دیگر منسی باید شود خیر ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتند



۱۶ سال) یعنی در مجموع ۱۶ سال است که انجام میشود و در ضمن همین دوره های بنون سازماندهی که از نظر پیکار اخیراً بر سر شوق و شور آمده اند؛ توانسته اند در این مدت شاه را بیرون کرده و آمریکا را رسوا نمایند و با دست خالی بنون سازماندهی های انجمنی مورد نظر پیکاریها سه سال است که با تمام قدرتهای شرق و غرب می جنگند و همچنان هم مقاوم و استوار ایستاده اند و عجب آن است که در طول انقلاب همین پیکاریها و سایر رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات میلیونی مردم و شور و شوق آنان به جانی رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات رسید و بهات ضعف تشکیلاتی مردم وعدم وجود پیشواز انقلابی این شور و شوق به یاس مبدل خواهد شد و تنها بایستی با سازماندهی مسلح توده ها شاه را بیرون کرد و بس و جلا معلوم نیست که کدام توده ها با کدام شور و شوق مبارزاتی متفوق انقلاب کردن هستند که با چشم معمولی نمیتوان آنها را دید و تنها تلسکوپهای سوپر مارکسیستی پیکاریها و همپالگیهایشان قادر بریوت آنهاند. اما نکته ای که در همین قسمت باید متذکر شد آن است که این توده ها بغرض وجود داشتن و مخالف رژیم بودن و علیرغم آنکه نیروهای پیکاری و شبه پیکاری فراوان از شجاعتها و شهامت هایشان داد سخن داده و آنها را «خلق قهرمان» خطاب میکنند چرا اینک از نظر پیکاریها به سکوت معنی دار مبتلا شده اند؟ اگر این خلق قهرمان اینقدر ترسو است که در اثر سرکوب رژیم سکوت را برگزیده است، پس پیکاریها با کدام نیرو میخواهند به مقاومت ادامه دهند؟ اساساً اگر سرکوب موجب سکوت توده ها میشود پس چرا سرکوب پانزده خرداد و هفده شهریور و اول محرم ۵۷ و روزهایی از این قبیل این خلق قهرمان را وادار به عقب نشینی و سکوت نکرد؟ حقیقت آن است که این جماعات نه مردم را شناخته اند و نه اساساً به نیروی مردم ایمان دارند و تنها بر توده های پیش ساخته ای اعتقاد دارند که حتی اهم در اکثر موارد با «خویشترن فریبی» همراهِ میباشد

پیکار در بخش بعدی تحلیل خود وظایف پرورشی و فرهنگی در دوره مقاومت عقب نشینی کثرتی از نیروی مردمی را که در مساله تبلیغات و ایجاد و گسترش هرچه بیشتر سازمانهای توده ای انقلابی هسته هائی که



مذاکرات چهار طرفی برای تعیین وضع نهایی - ۲. واگذاری موافقت خود به رای نمایندگان منتخب ساکنان کرانه غربی و غزه - ۳. دادن فرصت به نمایندگان برای تعیین طرز حکومت. ۴. اجازه ورود به اشخاصی که در سال ۱۹۹۷ از ساحل غربی و غزه آواره شده اند و همکاری مصر و اسرائیل بمنظور روشهای مورد توافق جهت دست یابی فوری عادلانه و دائمی حل مساله پناهندگان.



و بدینگونه بود که قرار داد کمپ دیوید که تنگ ابدی سازش با دشمن قسم خورده اسلام بود، امضاء شد. به صهیونیستها اجازه تاسیس سفارت در قاهره داده شد و پرچم اسرائیل دشمن شماره یک مسلمانان در قلب قاهره به اهتزاز درآمد و این خود نشانه ای بود بر انتقال صهیونیست از سواحل کانال سوئز بداخل کشور.

## این خون سیدالشهدا (ع) است

روز را برای مردم بگویند و هم مفاسدی مترتب فعل این گروههاست که می خواهند جمهوری را بهم بزنند بنفع آمریکا یا به شوری اینها را تنب بدهید به مردم و هم جنبه اخلاقی را. و من اینجهت را باید عرض کنم کسانیکه به این پست بسیار مهم گماشته شدند خودشان داوطلب آمده اند و وارد در سا روحانیون و خطبا شده اند باید خودشان را تهد کنند و خودشان را با اخلاق اسلامی تط بدهند. عامل به احکام اسلام بشوند.

\* اول باید خودمان را اصلاح کنیم کوشش کنیم انشاءالله خودمان اصلاح بشو! مردم را اصلاح کنیم، بدانند که انمه ما عمرشان را برای ترویج اسلام صرف کرده اند آنها یک سازش می خواستند بکنند همه چه مادی برایشان مهیا بود، لاکن خودشانرا از اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند.

بتواند متناسب با سطح مبارزات طبقه کارگر و توده های مقاومت آنها را در همه عرصه های اجتماعی آزمایند و رهبری نمایند. اضافه مینماید که: «در شرایطی که شدت بحران کنونی درگیریهای وسیعی را میان انقلاب و ضدانقلاب بسیار محتمل میسازد و این امکان وجود دارد که جامعه با خیزشهای تندی از جانب توده ها روبرو باشد، و از آنجا که ممکن است جنگ داخلی، علیرغم تمایل ما از نقطه نظر زودرس بودن آن، به اعتبار عوامل و زمینه های موجود، آغاز گردد یکی از وظایف کمونیستها، تدارک نظامی و کسب آمادگی لازم برای نبردهای قهرآمیز محتمل در آینده در مقیاس سراسری جامعه میباشد، معنای این تدارک در شرایط کنونی، آمادگی رزمی و تدارکاتی نیروهای سیاسی از لحاظ تشکیلاتی، آموزش نظامی و تشکیل واحدهای رزمی در رابطه با سازمانهای انقلابی است. این به هیچ وجه به معنای دست بردن به سلاح در شرایط حاضر نیست، همچنین تبلیغ شعار فعلی تسلیح توده ها و تشکیل واحدهای رزمی برای توده ها شعاری است زودرس و ناصحیح که به همین دلیل هم جنبه عملی به خود نخواهد گرفت. معنای سیاسی این وظیفه ترویج ایده قیام و مبارزه مسلحانه در میان توده ها و روشن کردن و آماده نمودن ذهن آنها نسبت به وظیفه آینده آنها میباشد.»

فرصت طلبی و پرونی این سازمان مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی زمانی آشکار میشود که این جملات را در کنار حرفهای سابق قرار داده و آنگاه قضاوت نمائیم. برای پی بردن به اوج و رشکستگی این گروهک آمریکائی همینقدر کافی است که سری به اعلامیه ها و تحلیلهای سابق آنها بزنیم و با حتی نگاهی به دیوارهای شهر بیندازیم تا قضیه کاملاً روشن شود. پیکاریها که از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بر روی دیوارها جملاتی نظیر پیش سوی سازماندهی مسلح توده ها مینوشتند....

.... و مطلب در همینجا ناتمام مینماید. ناتمامی مطلب در این قسمت بصورتی بسیار گویا عشق مهدی را به امام و انقلاب و نفرت و خشم او را از کفار و منافقین نشان میدهد. درستی گواهِ است که چگونه مهدی در راه انجام نهدات و رسالات الهی و شتافتن به وادی شهادت یک لحظه بغور تردید راه نمیداد، یادش گرامی و راهش پررو باد.